



ماهنامه ایران سبز

ماهنامه ایران سبز

آوریل 2007

www.iran-sabz.de

شماره 2

انجمن ایران سبز؛ فرا رسیدن عید سعید نوروز را به تمام هموطنان در سراسر جهان تبریک گفته و برای تک تک شما آرزوی سالی سرشار از موفقیت دارد.



تبریک عید و فحاشی سازمانیافته!

انجمن نجات 6 فروردین 1386

رابطه اعضا و هوادارانش با دنیای واقعی استوار است کاملا قابل فهم میشود. در این خصوص شاید بد نباشد چند واکنش را با هم مرور نمائیم :

آقای بهمن احمدی از هلند در نامه ای به تاریخ 21 مارس 2007 به همان سایت، ارسال کارت تبریک به مناسبت فرا رسیدن عید نوروز را یک اقدام تروریستی خوانده و بعد از مقداری فحاشی در خصوص این اقدام اشاره نموده اند که: "این تبهکاران و آدمکشان دیوانه وار دست به هر کاری میزنند". هنوز برای ما معماست که آیا ارسال کارت تبریک عید نوروز، که بطور گسترده توسط تمامی هموطنانمان در این ایام انجام گرفته کاری دیوانه وار است یا فحاشی در واکنش به چنین اقدامی؟

آقای محمود پیروز بخت نیز از هلند در نامه ای به تاریخ 20 مارس 2007 خطاب به سایت یادشده در بالا در خصوص این

ادامه در صفحه بعد

آقای مجتبی فتحی از استکهلم در نامه ای به تاریخ 29 اسفند 85 به سایت همبستگی ملی بعد از به میان کشیدن قضیه بی ربط لگد کوبیدن عرب ها به درب منزلشان در سالهای گذشته، در پاسخ به کارت تبریک انجمن نجات نوشته اند: "واقعا چه شده که از در التماس وارد شده اند؟ به غیر از اینکه ناقوس مرگ ضحاکان به صدا در آمده و حکومت آخوندی چون تمامی دیکتاتورها به آخر خط رسیده است؟". سازمان مجاهدین خلق در بهم بافتن رطب و یابس البته بد طولایی دارد و بیش از ربع قرن است که دارد هر صدایی را به ناقوس مرگ رژیم تعبیر میکند ولی این یکی از همه آنها خوشمزه تر است و تابحال کسی پیام تبریک یک سازمان غیر دولتی را که از افراد خود سازمان مجاهدین خلق تشکیل شده به این قضیه

انجمن نجات که متشکل از اعضای جدانشده سازمان مجاهدین خلق میباشد، به مناسبت فرارسیدن عید نوروز، کارت های تبریکی برای حدود صدها تن از هواداران سازمان در کشور های مختلف جهان ارسال کرد. از این میان چند تن از این افراد به دستور سازمان مجاهدین خلق اقدام به فحاشی سازمانیافته نسبت به این اقدام نموده و واکنش غیر منطقی و فرقه ای سازمان را به نمایش گذاشتند .

شاید برای بسیاری جای تعجب باشد که چگونه معدود افرادی پیدا میشوند که جواب تبریک نوروز یک دوست قدیمی یا یک هموطن را با فحاشی و ناسزا گویی پاسخ میدهند؟! و آنرا حمل بر اقدامی تروریستی کرده و در جهت مرعوب نمودن افراد تعبیر مینمایند. البته این مقوله با شناخت دقیق فرقه ها و این واقعیت که سازمان مجاهدین خلق یک فرقه تروریستی است که حیاتش بر ترساندن پیروان از دنیای بیرونی و قطع

ایران وحشت دارد که لاجرم دست به چنین اقدامات دیوانه وار و غیر منطقی میزند.

3- از نظر ما کسانی که به دستور سازمان مجاهدین خلق اقدام به ناسازگویی کرده و اعضای انجمن نجات را جاسوس و جلاذ و شکنجه گر آنها صرفاً به خاطر ارسال یک کارت تبریک نوروزی خوانده اند خود قربانیان عملکردهای فرقه تروریستی رجوی هستند که روزی به دنیای واقعی رجعت کرده و به فرقه پشت خواهند کرد کمالینکه بسیاری طی این مدت این کار را کرده و حتی به میهن خود و نزد خانواده بازگشته اند. این قضیه انسان را به یاد دوران انقلاب می اندازد که مردم گل در لوله تفنگ سربازان رژیم پهلوی می گذاشتند چرا که آنان را نیز مانند خود میدانستند منتهی با این تفاوت که به لحاظ ذهنی اسیر چمبره نظام ارتجاعی شده اند و خوب میدانستند که دیر یا زود به جرگه مردم خواهند پیوست.



در پایان لازم به ذکر است که اگر سازمان مجاهدین خلق نسبت به این عمل انجمن نجات یعنی ارسال کارت تبریک عید نوروز برای هواداران در خارج کشور حرفی و تجزیه و تحلیلی دارد چرا مثل سازمان های متمدن و دموکراتیک حرف خود را در یک چهارچوب منطقی بیان نمیکند و تحلیل خود را از این عمل ارائه نمی نمایند و چرا صرفاً تلاش میکند تا توهم فرقه ای ترس از ترور و سایر موارد را بصورت کاملاً غیر منطقی و مضحک پیش کشیده و واهمه خود را از رابطه برقرار کردن هواداران با دنیای خارج از خود به نمایش بگذارد؟

پس از سرنگونی رژیم دیکتاتوری صدام حسین بیش از 500 تن از هواداران سازمان مجاهدین خلق از عراق به وطن و نزد خانواده خود مراجعه کرده اند و دور نیست که مابقی اسرای ذهنی و حتی عینی سازمان نیز بندها را پاره کرده و وطن و خانواده خود را دریابند.

به امید آرزو

تروریستی را بخوبی نمایان میسازد. اینان که امروز دستشان به جایی بند نیست به این شکل مخالفان خود را قابل سرکوب آنها توسط یک کشور خارجی میدانند فردا در ایران اگر به جایی برسند با مخالفین و منتقدین خود که صدایشان به جایی نخواهد رسید به چه شکل رفتار خواهند کرد؟ اینان که امروز بر هر مخالف و منتقدی بدون ارائه کوچکترین دلیلی مارک جاسوس و جلاذ و شکنجه گر میزنند و آنان را مهدور الدم می دانند اگر روزی خدای ناخواسته به قدرت برسند بر سر مخالفین خود چه بلایی خواهند آورد؟

و اما در خصوص واکنش های ذکر شده چند نکته قابل تعمق است :

1 - از میان حدود صدها کارت تبریکی که برای هواداران سازمان مجاهدین خلق ارسال شد تنها تعداد معدودی بر اساس دستور سازمان به چنین واکنش غیر منطقی و فرقه ای دست زدند و مابقی که جمع کثیری را تشکیل میدهند چنین برخوردی نداشتند. این خود جای امیدواری دارد و قابل تبریک گفتن است که پیروان فرقه کمتر در اسارت ذهنی فرقه باقی مانده اند .

"هنوز برای ما معماست که آیا ارسال کارت تبریک عید نوروز، که بطور گسترده توسط تمامی هموطنانمان در این ایام انجام گرفته کاری دیوانه وار است یا فحاشی در واکنش به چنین اقدامی؟"

2 - خصوصیات فرقه ای در این نامه ها و واکنش ها بخوبی نمایان است. تمامی فرقه ها برای حفظ و کنترل پیروان خود نیاز به ترساندن آنان از نقطه ای در بیرون از فرقه دارند. توهم زایی فرقه ای توسط سازمان آنقدر پیشرفته است که حتی ارسال یک کارت تبریک را یک اقدام تروریستی توصیف کرده و ارسال کنندگان آنها را جلاذ و شکنجه گر مینامند. فرقه ها هیچگونه ارتباطات نرمال بیرونی پیروان خود را تحمل نمیکند چون بندهای اسارت ذهنی فرقه ای را سست مینماید. از فحاشی های انجام شده میتوان فهمید که سازمان چقدر نسبت به باز شدن باب ارتباط پیروان با دنیای بیرون خصوصاً داخل

اقدام انجمن نجات یعنی ارسال کارت تبریک عید نوروز به هموطنان خود در خارج از کشور آورده اند که: "این یک تهدید تروریستی است تا مرا وادار به سکوت کنند". ایشان نیز مثل مورد اول پای قضیه ای بی ربط مربوط به یکسال قبل از انقلاب سال 1357 را به میان کشیده و اظهار داشته اند که: "یکسال قبل از انقلاب 57 مزدوران ساواک با چاقو و قمه به محل کار من در یکی از دانشگاههای انگلستان حمله کردند که خوشبختانه من آنروز در محل کارم نبودم. بعداً من به همه جریانات برای دریافت کمک در برابر ساواک مراجعه کردم و همین گرگهای خونخوار وزارت اطلاعات آنروز ما را به تقیه و تسلیم در برابر ساواک دعوت نمودند". تابحال البته معجزات زیادی را از وزارت اطلاعات شنیده بودیم ولی اینرا تابحال نشنیده بودیم که آنها به تونل زمان نیز دسترسی پیدا کرده و به یکسال قبل از انقلاب نیز سفر کرده و آنجا هم دست از "خونخواری!" بر نداشته باشند .

و نهایتاً انجمن پناهندگان ایرانی (نروژ) در اطلاعیه ای به تاریخ 16 مارس 2007 که باز در همان سایت مذکور درج گردیده است نسبت به ارسال کارت تبریک برای هواداران سازمان از جانب انجمن نجات موضع گیری کرده و همراه با مقداری فحاشی مرسوم فرقه تروریستی رجوی در خصوص این اقدام اظهار نظر کرده است که: "اقدامی که امنیت پناهندگان سیاسی را به جد مورد تهدید قرار میدهد". در این اطلاعیه همچنین آمده است: "رژیم ضدبشری آخوندی که اکنون بیش از هر زمان دیگر در محاصره بحرانهایی داخلی و بین المللی قرار گرفته، با این قبیل تلاشهایی مذبحانه، از جمله ارسال کارت تبریک توسط جلاذان و شکنجه گران انجمن نجات وزارت اطلاعات، اهداف پلید و چند گانه بی را دنبال می کند." در ادامه اطلاعیه فوق که از ادبیات فرقه ای سازمان مجاهدین خلق سود برده است نسبت به عدم ممانعت از فعالیت افشاگرانه چند تن از جادشدگان سازمان در نروژ توسط مقامات این کشور ابراز تعجب شده و بستن دهان و شکستن قلم آنان خواسته شده است که میزان تولرانس و دموکراتیک بودن این فرقه

www.parwaaz.com

را بروی شبکه اینترنت بیورم. امیدوارم مورد بازدید هموطنان و دوستان قرار بگیرد. از نظرات، راهنمایی ها و انتقادات شما صمیمانه استقبال میکنم. برایتان آرزوی سلامت و موفقیت دارم.

رضا اسدی
بیست و چهارم اسفندماه

دوستان و فرزندان در بند در فرقه مجاهدین نیز از عراق و قید و بند این فرقه آزاد و به ما ببیوندند تا دست در دست یکدیگر برای ایجاد و پیشرفت وطنمان ایران کوشا باشیم. زحمات، تلاش و کوشش بلا وقفه شما در این راه قابل تقدیر است. به اطلاعاتان میرسانم که سعی کردم تا شخصا وب سایت:

آغاز به کار سایت پرواز



عید نوروز را به شما و هموطنان عزیزمان تبریک میگویم و برایتان آرزوی سلامتی و موفقیت دارم. به امید روزی که با تلاش و کوشش شما دیگر



بعد از آن خانم murud از حضور گسترده و فعال انجمن صلح تجلیل نموده و از آقای قاسم قزی به عنوان مسئول و بنیان گذار این انجمن قدردانی به عمل آورد. خانم murud در ادامه سخنان خود گفت:

آقای قاسم قزی یکی از مدافعان فعال و پیگیر حقوق بشر بوده و سالیان مدیدی از عمر خویش را صرف تحقق دموکراسی در کشورش نموده است. همچنین ایشان توانسته است طی چند سال گذشته چندین تشکل حقوق بشری و صلح دوست را سازمان داده و تجارب خود را در این رابطه در اختیار آنان قرار دهد.

خانم murud ادامه دادند این افتخار ماست که از این شخصیت ها تجلیل و قدردانی کرده و با حمایت از این افراد آنها را در صحنه مبارزاتشان در برقراری صلح یاری رسانیم، به همین مناسبت و جهت قدردانی از جدیت و سخت کوشی آقای قاسم قزی در راه دموکراسی و صلح جهانی، خوشحال هستیم که "دیپلم افتخاری صلح جهانی" را به ایشان تقدیم نماییم.



حقوق زن در شهر اسلو برگزار گردید.

آقای قاسم قزی مسول "انجمن صلح" به دعوت رسمی هیئت برگزار کننده در این سمینار شرکت کرده و مورد استقبال وسیعی از شرکت کنندگان و هیئت برگزارکننده خانم ها و آقایان:

خانم Steiner murud رئیس اتحاد برای صلح و امنیت جهانی UF و آقای Krut holdws عضو ارشد هیئت برگزار کننده سمینار و آقای Hotef mokhtar رئیس کمیته صلح جهانی و خانم murud رئیس برگزار کننده سمینار هشتم مارس و تعدادی شرکت کننده در سمینار قرار گرفت.



خانم murud بعد از خوش آمدگویی و تبریک هشتم مارس به شرکت کنندگان، برنامه سمینار را توضیح و اعلام نمود.

سپس نماینده "انجمن صلح" نروژ سخنرانی مبسوطی در مورد نقض حقوق بشر در جهان و منطقه خاورمیانه، اوضاع بغرنج شرایط جهانی و ضرورت اتحاد برای صلح جهانی را بدینگونه تشریح نمود.

بررسی آثار و عواقب جنگ در مناطق جنگ زده بویژه خاورمیانه و مشخصه های اصلی جنگ و خشونت در جهان امروز و راه حل مناسب و فراگیر با این اعتقاد که جنگ و خشونت هیچگاه نمی تواند پیام آور صلح و امنیت باشد باید مورد توجه ما قرار گیرد.

دیپلم افتخاری صلح جهانی به بنیان گذار "انجمن صلح" آقای قاسم قزی تعلق گرفت

انجمن صلح نروژ و کانون رهایی هلند، هفدهم مارس 2007

"کانون رهایی" موفقیت و کسب مدال افتخاری دوست و همکار گرامیمان آقای قاسم قزی، یکی از فعالین حقوق بشر و پناهنده، را به ایشان تبریک می گوید. آقای قزی که چندی پیش انجمن صلح نروژ را پایه گذاری نمود از مبارزان آزادی خواه و خستگی ناپذیری است که مراحل سخت و پر مشقتی را در گذر زمان طی کرده و به کسب تجارب ارزشمندی رسیده است که مدال افتخاری "صلح" توسط انجمن صلح جهانی تقدیری از این تلاش هاست.

قابل ذکر است که مطالب و انعکاس فعالیت های انجمن صلح نروژ جهت مراجعه عمومی تا زمانی که سایت مستقلی راه اندازی نمایند در سایت رهایی بازتاب می یابد.

در زیر گزارش سمینار انجمن جهانی صلح و شرکت آقای قاسم قزی و اخذ مدال افتخاری "صلح" در این اجلاس به نظرتان می رسد.

گزارش فعالیتهای ایشان در فوریه سال 2007 همراه با عکسها و تصاویر موجود، متعاقبا در همین سایت منعکس می گردد.

معرفی "انجمن صلح" نروژ، در روز جهانی زن "هشتم مارس"

دیپلم افتخاری صلح جهانی به بنیان گذار "انجمن صلح" در کشور نروژ، آقای قاسم قزی تعلق گرفت.

سمینار روز جهانی زن از طرف چند سازمان بین المللی مدافع حقوق بشر و سازمانهای وابسته به کمیته "صلح جهانی" Global peace و حامیان

استقبال از اقدام قضایی علیه مقامات ارشد سازمان مجاهدین

نامه به دادستان ارشد دادگاه عراق

آقای حسین الموسوی
دادستان ارشد دادگاه عالی عراق

از موضع قاطع شما در ارتباط با متهم کردن برخی مقامات ارشد مجاهدین خلق ایران با خبر شدیم و این اقدام شما را گامی مهم در راستای مبارزه با تروریسم و تامین امنیت عراق می دانیم.

انجمن ایران سبز از اعضاء و مسئولین سابق سازمان مجاهدین تشکیل شده که در کشورهای اروپایی ساکن می باشند و در راستای حقوق بشر و مبارزه با فرقه فعالیت دارد.

انجمن ما به دفعات نامه هایی به آقای نورالمالکی و همچنین آقای المشهدانی رئیس پارلمان عراق ارسال داشته و در آن خواستار به محاکمه کشاندن سران سازمان مجاهدین که در نقض حقوق بشر دست داشتند شده است.

ادامه اسامی اعضاء جدا شده در حمایت از فراخوان کيفر خواست محاکمه مریم مسعود رجوی

- 61- ایرج بیابانی
- 62- ابراهیم کندی
- 63- طالب تیمور نژاد
- 64- آرش صامتی پور
- 65- بابک امین
- 66- یابر حزبواي
- 67- کاظم پور خفاجيا
- 68- علی نیک بیان
- 69- علی اکرامی
- 70- ایمان ترک علی عسگری
- 71- علی سرخیان
- 72- بیبر قنواي
- 73- حمید دهدار حسنی
- 74- آدم کریمی
- 75- علیرضا محمدی
- 76- کمند علی عزیزی
- 77- صمد اسکندری
- 78- فتح الله اسکندری
- 79- فرشید نصرالهی
- 80- ولی الله غفاری
- 81- رحیم قنبری
- 82- علی رضا رحمانی
- 83- یونس یانپی

سازمان مجاهدین در دوران حکومت صدام حسین با گرفتن پول و تجهیزات (که فیلم و مدارک آن در دسترس می باشد) به صورت ارتش خصوصی صدام حسین تبدیل شده بود و حتی در کشتار و سرکوب جنبش آزادیخواهی مردم عراق در سال 1991 شرکت داشته و مطمئناً خاطره تلخ این جنایات از ذهن مردم عراق خصوصاً شهرهای کلار و کفری پاک نخواهد شد.

عالیجناب

بی دلیل نیست که بعد از موضع قاطع شما در برابر سازمان مجاهدین ، دستگاه تبلیغاتی این گروه شما را مورد آماج تهمت و فحاشی قرار داده اند(سایت همبستگی به نقل از سخنگوی سازمان مجاهدین در اسلو) زیرا مسئولین سازمان مجاهدین به خوبی میدانند که کشتار مردم کلار توسط یک دسته زرهی سازمان مجاهدین که شاهدین زیادی نیز دارد چیزی نیست که بتوان با فحاشی و شانتاژ آن را به دست فراموشی سپرد.

انجمن ما در راستای محاکمه سران.

فرقه رجوی اقدام به دادن فراخوانی کرده که تاکنون 12 انجمن حقوق بشری که در اروپا و آمریکا فعال می باشند و همچنین تعداد 400 نفر از مسئولین و اعضاء سابق مجاهدین از آن حمایت کرده اندواین امضاء ها همچنین ادامه دارد.



انجمن ایران سبز ضمن حمایت از اقدام شجاعانه شما آمادگی خود را برای دادن شهادت در دادگاه مزبور اعلام می نماید.

با کمال احترام
انجمن ایران سبز- آلمان
13.03.2007

رونوشت به رئیس جمهور عراق آقای جلال طالبانی.
رونوشت به نخست وزیر عراق آقای نوری المالکی.

- 84- امیر لطفی
- 85- محمد مهدی کردی
- 86- غفور مازندارانی
- 87- ناز محمد آل عوض
- 88- محمد حسین بهرامی
- 89- حسن پلنگی
- 90- منصور توکلی
- 91- محمد رضا شهزی
- 92- ابراهیم طعنه
- 93- علیرضا رنجبر سیاقی
- 94- عیسی عرب روستای
- 95- عبد الرحمان قاسمی دماوندی
- 96- علی قرنجیک
- 97- بهمن قریشی
- 98- تاج محمد میرزا علی
- 99- عثمان یلقی
- 100- قاسم سورتیج
- 101- جمشید سرایی
- 102- احد سرایی
- 103- کریم کریمی
- 104- تاج محمد گل چشمه
- 105- حسین حاجی لی دوجی
- 106- نورالله قزل سفلو
- 107- حسین زیارتی
- 108- علی میرزایی
- 109- هادی ناصری مقدم
- 110- احمد سلیم نیا
- 111- صمد نظری
- 112- ایرج صالحی
- 113- عبدالله افغان
- 114- هادی شعبانی
- 115- مسعود دریاباری
- 116- علیرضا بحری
- 117- قربانعلی بردران
- 118- دوست محمد فرحی
- 119- حسین علی زاده
- 120- قادر رحمانی
- 121- منصور تنهای
- 122- فتح الله آقایی
- 123- سعید باقری دربندی
- 124- افشین جعفرزاده
- 125- مرتضی جعفر زاده
- 126- محمد عراقی
- 127- ناصر سید بابایی
- 128- حامد مهمانخوا
- 129- محمود اکبری اقدام
- 130- مرضیه قرصی
- 131- شهرام دهقان
- 132- ناصر شیر دم
- 133- فرهاد پور مشکي
- 134- بهروز نظریان
- 135- صادق(محمود) باروتیان
- 136- حسن ریگی

ادامه امضاء ها در شماره بعدی



راه حل واقعی برای مجاهدین چیست؟

به مناسبت عید نوروز و فرارسیدن بهار با یکی از دوستان قدیمی که تجربه بسیار غنی در مورد ساختار و اندیشه تفکر گروه رجوی از زمان رژیم شاه دارد، در حال گفتگو بودیم. وی بدرستی می گفت:

" دروغ یعنی پنهان کردن حقیقت "

همچنین از زرتشت نقل می کنند که در دعا های خود از درگاه خداوند چنین درخواست می کرده است :

" اهورا مزدا ایران را از دروغ و خشکسالی محفوظ دارد "

از سوی دیگر گوبلز وزیر تبلیغات هیتلر معتقد بود ک دروغ هر چه بزرگتر باشد باورکردنی تر است. در مکتب ماکیاولیسم نیز برای رسیدن به هدف، هر وسیله ای مشروع می باشد.

متأسفانه سازمان مجاهدین خلق همچنان از گوبلز و ماکیاول الهام می گیرند و دروغ تاکتیک اول و آخر رهبری فرقه مجاهدین در مناسبات درونی و بیرونی این سازمان می باشد و روشن است که جریان یا سازمانی که حقیقت را پنهان می کند و دروغ می گوید، راه را از ابتدا با شتاب برای تبدیل شدن به یک سازمان توتالیتر با ویژگی های عمیق فرقه گرایی تا انتها پیموده است. تنها در دو هفته گذشته در رسانه های علنی این سازمان چندین دروغ بزرگ وجود داشته است که به دو مورد زیر اشاره می کنیم:

1- سازمان مجاهدین در تاریخ هشتم مارس اقدام به تجمعی در شهر بروکسل برای تحت فشار قراردادن اتحادیه اروپا به بهانه روز جهانی زن کرد. نکته جالب توجه تعداد شرکت کنندگان در این گردهمایی بود که با تلاش و بسیج سراسری نیروهای سازمان در اروپا و پرداخت هزینه سفر و تفریح و گردش تعدادی از پناهندگان ملیت های مختلف، تعداد آنها حدود حداکثر 3500

نفر بوده است که این رقم در مقابل جمعیت چند میلیونی ایرانیان تقریباً آمار یک در هزار را نشان می دهد که سازمان مجاهدین خلق برای مخفی کردن و کمرنگ کردن انزوای سیاسی و اجتماعی خود بین ایرانیان این رقم را به 30,000 نفر افزایش داد در حالیکه خبرگزاری رویتر به نقل از پلیس و مقامات شهرداری شهر بروکسل تعداد افراد تجمع کننده را تنها 3.500 نفر اعلام کرد و مجاهدین 26.500 نفر بر این آمار اضافه کردند که حیرت مقامات شهرداری و پلیس بلژیک را نیز موجب شد.

"راه حل واقعی برای مجاهدین این است که باید در استراتژی مبارزه مسلحانه و تروریستی و ساختار فرقه گرایانه این سازمان تغییرات بنیادی صورت گیرد و در نخستین گام باید رهبری این فرقه یعنی آقای مسعود رجوی و خانم مریم رجوی خود را برای رسیدگی قضایی به بیش از دو دهه ترور و خونریزی به دادگاه صالحه معرفی کنند"

2- روز جمعه 23.03.2007 این فرقه یک کنفرانس مطبوعاتی در شهر برلین پایتخت آلمان برگزار کرد. سازمان مجاهدین در این جلسه مدعی شد که 300 نفر از نمایندگان پارلمان آلمان از این گروه برای خارج شدن از لیست گروه های تروریستی حمایت کرده اند. به اصل خبر به نقل از رسانه های این گروه توجه کنید:

" 300 پارلمانتر آلمانی تأکید می کنند که ما بی اعتنایی شورا به حکم دادگاه را برای حکومت قانون بسیار زیانبار تلقی می کنیم ... پارلمانترهای آلمانی یادآوری می کنند که مجاهدین بعنوان بخشی از یک سیاست غلط و بخاطر نزدیکی به ملایان و نه بدلیل تروریسم در لیست قرار داده شدند..."

(سایت همبستگی ملی - یکشنبه
25.03.2007)

اما وقتی که به جزئیات خبر دقت میشود

300 نفر به 100 نفر کاهش پیدا می کند و از این 100 نفر نیز هیچ نام و نشان و امضایی که نشان دهنده صحت گفته های مجاهدین باشد، وجود ندارد. مشخص نیست که اگر این خبر صحت دارد، چرا سازمان مجاهدین برای برگزاری این جلسه در برلین پایتخت آلمان که محل پارلمان این کشور نیز می باشد، نتوانسته حتی یک نماینده پارلمان آلمان را به این جلسه بیاورد؟

مشخص نیست چرا بجای ده ها نماینده آلمانی که در شهر برلین حضور داشتند و مجاهدین مدعی حمایت آنها از این گروه تروریستی شده، آقای استیونس از انگلستان را که از اعضای تیم آقای پائولو کازاکا می باشد به این جلسه آمده است؟

چرا همچنان "دروغ" نخستین روش در این فرقه توتالیتر و تروریستی می باشد؟ بنظر می رسد که زیر چتر دروغ های گوبلزی مجاهدین هر چیز دیگری جای می گیرد و مشروعیت پیدا می کند. جریان و سازمانی که در روز روشن چنین دروغ می گوید مشخص است که در پنهان چه می کند.

اما مجدداً لازم میدانیم که به رهبران این سازمان توصیه کنیم که راه خارج شدن از لیست گروه های تروریستی دروغ و شانتاژ و متهم کردن مقامات پارلمان اروپا به "لابی رژیم آخوندی" به دلیل دعوت از اعضای جدا شده از مجاهدین برای سخنرانی و شرکت در اجلاس کارشناسی و مشورتی این پارلمان نیست. پس راه حل چیست؟

راه حل واقعی برای مجاهدین این است که باید در استراتژی مبارزه مسلحانه و تروریستی و ساختار فرقه گرایانه این سازمان تغییرات بنیادی صورت گیرد و در نخستین گام باید رهبری این فرقه یعنی آقای مسعود رجوی و خانم مریم رجوی خود را برای رسیدگی قضایی به بیش از دو دهه ترور و خونریزی به دادگاه صالحه معرفی کنند و رسماً طی یک اطلاعیه از رهبری سازمان مجاهدین کناره گیری کنند. آیا رهبری سازمان مجاهدین به این راه حل واقع بینانه گردن می گذارد؟

info@iran-ghalam.de
www.iran-ghalam.de

دیدار و ملاقات هیئتی از انجمن ایران پیوند با سناتور لوک ویلمز

هیئتی از طرف انجمن ایران پیوند متشکل از آقایان بهزاد علیشاهی و کریم حقی با آقای سناتور لوک ویلمز (Luc Wilems) از حزب لیبرال دمکرات فلامان دیدار و ملاقات کردند. این ملاقات که در محل ساختمان اصلی سنای بلژیک صورت گرفت بیش از 2 ساعت به طول انجامید.

سناتور لوک ویلمز رئیس کمیسیون اقتصاد و امور مالی در سنای بلژیک

می باشد. همچنین نایب رئیس کمیسیون



دادگستری و عضو کمیسیون تحقیقات قضایی می باشند.

یکی از موضوعاتی که کمیسیون دادگستری سنای بلژیک مسئولیت آن را بر عهده دارد بررسی امورات مربوط به فرقه ها می باشد.

آقایان بهزاد علیشاهی و کریم حقی به طور مشروح مناسبات و سیستم فرقه ای مجاهدین را برای آقای سناتور لوک ویلمز تشریح کردند.

آقای لوک ویلمز پس از شنیدن توضیحات آقایان علیشاهی و حقی تاکید کردند که قطعاً مجاهدین یک فرقه می باشند. سپس راه کارهای قانونی و عملی جهت مقابله با تهدیدات فرقه مجاهدین مورد بحث و بررسی قرار گرفت

انجمن ایران پیوند
02.04.2007

جعفر الموسوی ادامه داد: حضور مجاهدین خلق در زمان رژیم صدام در عراق به عنوان میهمان بوده و در حال حاضر حضور آنها در عراق فاقد هرگونه وجهت قانونی است.

سران سازمان مجاهدین خلق (فرقه رجوی) متهم به دست داشتن در قتل شهروندان عراقی در سالهای 91 و 96 میلادی در جنوب و شمال عراق و هدر دادن اموال و دارایی های عمومی عراق هستند.



دادگاه عالی جنایی عراق پیشتر اعلام کرده بود که به اتهامات اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران رسیدگی می کند.

نمی خورد. در این اعلامیه آمده است:

این شورا به هیچ وجه جامعه جهانی را نمایندگی نمی کنند.

و یا اینکه در جای دیگر مدعی می شود که:

نیمی از اعضای کمیته ویژه ای که در شورای حقوق بشر برای رسیدگی به مساله ایران تشکیل شده بود، کشورهای هستند که سابقه وخیمی در نقض حقوق بشر دارند.

فرقه درمانده رجوی مدعی شده است که کشورهای که ناقص حقوق بشر میباشند در این شورا عضویت دارند که جا دارد که از **ادامه در صفحه بعد**

است، گفت: اعضای سازمان مجاهدین خلق (فرقه رجوی) فاقد هرگونه مصونیت قانونی و قضایی هستند.

"سران سازمان مجاهدین خلق (فرقه رجوی) متهم به دست داشتن در قتل شهروندان عراقی در سالهای 91 و 96 میلادی در جنوب و شمال عراق و هدر دادن اموال و دارایی های عمومی عراق هستند."

وی افزود که هنوز تحقیق و بازرجویی از اعضای این گروه تروریستی در خصوص اتهام فساد مالی و هدر دادن دارایی های عراق و ارتکاب جرایم قتل علیه مردم عراق شروع نشده است ولی تاکید نمود که هیات دادستانی در حال جمع آوری مدارک علیه متهمان، با هدف شروع بازرجویی های قضایی از آنها است.

فرقه مجاهدین که احتمالاً برای این دوره از نشست شورای حقوق بشر با جمع آوری سیاهی لشکر و انجام تظاهرات و به میدان آوردن لابی هایی که در اینگونه نمایشات سخنران همیشگی می باشند تصمیم به راه اندازی معرکه گیری جدیدی داشت، در مقابل عملی قرار گرفته است که تنها راه برخورد با آن را به سنت همیشگی خود در ناسزا گویی و سرهم بندی پرت و پلا های سیاسی دیده است.

در اعلامیه فرقه مجاهدین جز همان حرفهای همیشگی و آمار و ارقام خود ساخته که اینبار با اظهارات مضحک همراه می باشند، چیز دیگری به چشم



جعفر الموسوی، رییس دادستانی دادگاه جنایی عراق: مجاهدین خلق فاقد مصونیت قضایی و قانونی هستند.

ایران اینترلینک، بغداد، دوم آوریل 2007

"جعفر الموسوی" رییس هیات دادستانی دادگاه عالی جنایی برای رسیدگی به جنایات جنگی و جنایت برضد بشریت در عراق گفت: اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران مصونیت قانونی و قضایی ندارند

"جعفر الموسوی" روز دوشنبه در اظهاراتی که گزارشی از آن در روزنامه عراقی "الموتمر" نیز به چاپ رسیده

هذیان گویی فرقه مجاهدین در مورد شورای حقوق بشر ملل متحد



روز گذشته شورای حقوق بشر ملل متحد در آستانه برگزاری جلسه در ژنو، کشور ایران را از دور بررسی ها و نظارت خود به هر دلیلی خارج نمود.

در همین رابطه فرقه مجاهدین با صدور بیانه ای مدعی شد که شورای حقوق بشر ملل متحد با این عمل نماینده جامعه بین المللی نیست.

فرقه مجاهدین بعضی از کشورها و یا نیمی از کشورهای کمیته ویژه را ناقص حقوق بشر می داند باید به آنها یاد آوری نماییم که در گزارش سازمان دید بان حقوق بشر در سال 2005، سازمان مجاهدین به عنوان یک جریان نقض کننده حقوق اولیه انسانی در روابط درونی خود شناخته شده و بهتر است ابتدا فرقه مجاهدین مسئله حقوق بشر درمناسبات درونی خود را حل نموده و بعد بعد به کشورهای دیگر بپردازد.

فرقه مجاهدین هرگز نماینده مقاومت مردم ایران نبوده و نیست و هیچوقت نمی تواند برای جریان های دیگر اظهار نظر نماید و مدعی بشود که:

اعضای این شورا به هیچ وجه جامعه جهانی را نمایندگی نمی کنند.

البته پیگیری نقض حقوق بشر و رسیدگی به آن حتی در کشور ایران یکی از وظایف جامعه جهانی است و در این راه هر کوششی قابل احترام است ولی اگر

آنان بپرسیم که چرا این کشورها را نام نمی برید و چرا در دور قبلی جلسه این شورا که در مقابل محل برگزاری آن تظاهرات نمودید این مسئله را عنوان نکرده و مسکوت گذاشته اید. و حتی این فرقه معتقد است که برگزار کنندگان این شورا خود گروگان گیر حقوق بشر می باشند:

اجازه ندهند، کشورهای ناقص حقوق بشر اصول برسمیت شناخته شده حقوقی بشری را به گروگان بگیرند.

اطلاعیه شماره 5 خانواده محمدی

25.03.2007

نهمین عید نوروز اسارت سمیه محمدی در بهشت دروغین رجوی عید نوروز 1386 فرا می رسد و ما و صدها خانواده دیگر سالهاست که همچنان منتظر دیدار فرزندان خود که در اسارت اردوگاه جهل و ریای مجاهدین اردوگاه خشونت؛ اردوگاه نظامی اشرف قرار دارند می باشیم.

امسال نهمین سال است که سمیه ما به گروگان ارتش باصطلاح آزادی بخش در آمده است. ارتشی که قرار بود مردم ما را آزاد کند خود فرزندان مردم ما را به بیگاری و بردگی فکری و استثمار گرفته است.

نوروزی که بیش از 31 قرن است که پیام آور صلح و دوستی و بهاران ایران زمین است سالهاست که به معنی واقعی در اشرف راه ندارد.

زیرا نوروز می آید تا قلبها را بهم نزدیک کند

نوروز می آید تا عشق ها تجدید شوند و عشق های جدید بوجود آیند

نوروز که می آید خانه ها درهائشان را بر مهمانان می گشایند

اشعه آفتاب بهاری ی از درون پنجره ها نظاره گر ابشار عشقی است که در توسط پدر بزرگ و مادر بزرگ؛ خاله و عمه و دایی و عمو بر فرزندان می ریزند.

دید و بازدید نوروزی دوستان و خانواده ها کوچکترها از بزرگترها هست که رودخانه محبت و عشق جاری می شود و به انسوی دیوار زندانها هم.

اگر اهریمن توانست با کشتن سیاوش از زدن جوانه نوروز از دل وی خودداری کند رجوی و دیگر همکاران جنایتکار وی هم می توانند با دروغ گوئی و وارونه جلوه دادن حقایق در نزد فرزندان ما نظیر سمیه آنان را از ما دورنگهدارند

سالهاست جوانان ما در اشرف اسپر اهریمنانی شده اند که خود به وعده های خود باور ندارند ولی با ادامه تبلیغ گویلیزی این وعده های دروغین روز را به شب و شب را به روز می سپارند. آنان سالهاست که برنامه ای برای فردای این جوانان ندارند چه برسدبه نجات مردم ایران. کور دلانی که دجالگرانه پیام پیروزی خلق ایران را می دهند ولی چشم به دست های بیگانگان برای نجات خود دارند

سرنوشت نامعلوم و آوارگی رجوی؛ و تنفر و بی اعتنائی مردم ایران به مجاهدین نتیجه اه مادران و پدران داغدار ی است که حسرت دیدار فرزندانیشان که قربانی خونخواهی و شهوت قدرت رجوی شده اند بر دل آنان مانده است.

به عنوان یک مادر؛ پدر؛ برادر و خواهر دستمان را به سوی مردم آزاده دراز می کنیم تا در استانه نوروز به سمیه و سمیه ها کمک کنید تا سالم از عراق خارج شوند. جان سمیه و سمیه ها در عراق توسط رهبری و فرماندهان مجاهدین که برای قدرت تلاش می کنند؛ در خطر است.

خانواده سمیه محمدی

ریجموند هیل کاناد

www.somayeh.org

Tel: 001-416-559-2010

Mustafa_mohammady@hotmail.com

میرود و پیام امید و شادی می دهد و بنیان انسانی را محکم تر می کند

این نوروز است که به برطرف شدن کدورت ها و جدائی ها کمک می کند. و اصلا نوروز به این دلیل ماندگار شده است که با سنت خدا و طبیعت که همانا دوستی و محبت و عشق و صفا و صمیمیت همخوانی دارد.

متأسفانه رجوی و آنان که در سازمان وی تشنه قدرت هستند سالهاست با ایجاد محدودیت برای برقراری تماس اعضا در اشرف با خانواده هایشان و کشیدن حصار فکری؛ بر خلاف سنت نوروز باستانی عمل می کنند.

بیچاره شب پرستان اورسورواز که از سنت نوروزی که هر ساله از دل سیاهی زمستان و مردگی زمین با اقتدار بیرون می آید و نوید زندگی رابا لاله های بهاری به مردم می دهد عبرت نمی گیرند.

رجوی با ادامه سیاست های غیر انسانی و اهریمنی اش که بنام خدا و بنام مردم ایران انجام می دهد سالهاست که بین خانواده ها فاصله انداخته است.

رجوی فرعون گونه؛ ادعای خدائی می کند و اعضای سازمان را؛ فرزندان ما را مانند بردگان و بندگان در اسارت نگه داشته است و هر گونه تقاضای جد شدن آنان و بازگشت به اغوش خانواده هایشان را بشدت سرکوب می کند.

رجوی با شقاوت تمام، از دیدار پدران و مادران از عزیزانشان ممانعت به عمل می آید.

جریانی که ادعای حق بودن می کند از تماس اعضا با خانواده هایشان ترسی ندارد.

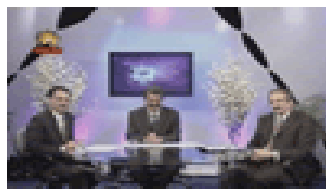
مزدوران جمهوری اسلامی در سیمای مسعود و مریم

پارس ایران، سوم آوریل 2007



گلریزان را که اسم مجاهدی کانالهای 24 ساعته لس آنجلسی برای دریافت کمک مالی برای پوشاندن کمک های سیا برای ادامه حیات آنهاست را می خواندم . خیلی نگران شدم که ای دل غافل این مهدی ابریشم چی چشم مسعود را دور دیده حرفهائی که می زد بوی آخوندی می داد.

آشنایان را به ارمغان آورد - شیرزنی آزاده و دلسوز از تهران جواهراتش را به سیمای آزادی هدیه داد - و کوهمردی از گیلان ضمن اهدای کمک مالی، سیمای آزادی را غرق محبت و تشویق خودنمود. بسیاری از تماس گیرندگان سیمای آزادی را چراغ همیشه روشن خانه هایشان خواندند.



این حرفهائی مزدوران وزارت اطلاعات هست که بر اساس تئوری مسعود انیشتن 80-20 درصد بیان میشود

چرا ؟ زیرا آن زنان مردان آزاده که فرشهایشان را هدیه کردند ، شیرزنی که جواهراتش را به به سیمای آزادی هدیه کرد و کشاورزی که ثمره دسترنج خود را اهدا کرد و الی الاخر چگونه می خواهند این کمک ها را به دست سازمان برسانند.

این رژیم که هیولا هست و هر کس را که مجاهد باشد می کشد . همه جا را کنترل می کند چگونه این ها را دستگیر نمی کند ؟ این حرفه ها یعنی رژیم تغییر رفتار داده است ؟

حمایتی پرشور که باردیگر تمامیت به پاخاسته ایران و عزم جزم ملی را برای درهم شکستن سانسور و خفقان آخوندی و پایان دادن به سلطه شوم آخوندها منعکس می کرد: -بازهم کودکان قلکهای خود را شکستند و عیدیهای دریافتی خود را هم به سیمای آزادی اهدا کردند. - بسیاری از هموطنان، هدایا و یادگارهای ذقیمت خود را نثار کردند - بسیاری از زنان مردان آزاده میهنمان ماشین یا فرش خانه خود را هدیه کردند - کشاورزی آگاه و پرشور از تبریز ثمره دسترنج خود را اهدا کرد - راننده بی جوانمرد و غیرتمند از تهران کمک های جمع آوری شده از

فی الواقع اگر رژیم اینقدر سیستم اطلاعاتش گل و گشاد است که از ایران تلفن می کنند و کمک مالی به مخالفین رژیم می کنند و کاریشان ندارد و یا نمیتواند آنها را شناسائی بکند پس چرا مهدی ابریشم چی و دیگر اعضای شورای وابستگی و خیانت که ادعا می کنند برای مردم جانشان را می دهند يك زحمتی نمی کشند همان طور که از ایران بیرون آمدند به ایران بر گردند و در داخل کشور مبارزه و عملیات پایانی را رهبری و سازماندهی کنند . فرودگاه مهر آباد را برای بازگشت مهر تابان آماده کنند.

در واقع نه اوضاع ایران تغییر کرده است و نه کسی از داخل کشور برای کمک مالی به سازمان دروغگو و مردم فریب تلفن میکند.

سر تاپای این قصه گلریزان مانند دیگر داستانهای هزارو یکشب رجوی برای خواب کردن خلیفه است که این بار در کاخ سفید خوابیده است . سازمان آنقدر از پولهای اهدائی صدام و عربستان سعودی پول در بازارهای مالی اروپا و امریکای شمالی سرمایه گذاری کرده است و یا توسط اعضای سازمان با پولهای باد آورده وطن فروشی اقدام به درآمد ساز کرده است

دیدار انجمن ایران سبز با دفتر انجمن ضدفرقه



انجمن ایران سبز 22.3.2007

روز پنج شنبه مورخ 22.3.2007 هیئتی از انجمن ایران سبز با یکی از دفاتر انجمنهای ضد فرقه در آلمان دیدار و گفتگو کردند. در این دیدار ابتدا انجمن ایران سبز به تشریح اهداف خود در راستای فعالیت های ضدفرقه ای و انسانی برای مسئول انجمن ضد فرقه پرداخت که مورد توجه و استقبال مسئول انجمن ضد فرقه قرار گرفت که او هم تجارب انجمن خود را در این زمینه در اختیار هیئت انجمن ایران سبز قرار داد.

این دیدار که در راستای ادامه همکاری

جوامع غربی بررسی شد.

این دیدار که در جوی با حسن همکاری و بسیار دوستانه صورت گرفته بود، رئیس انجمن ضد فرقه بعد از شنیدن حرفها و تجارب هیئت انجمن ایران سبز، توصیه کرد در رابطه با فرقه مجاهدین خلق باید تخصصی تر و عمیق تر کار شود چرا که این فرقه یک فرقه نظامی و تروریستی می باشد و باید آن را در ظرف فرقه های معمول ارزیابی نکرد. این دیدار مدت 2 ساعت بطول انجامید که در پایان رئیس انجمن ضد فرقه بر تداوم همکاری بیشتر تاکید کرد.

ماهنامه ایران سبز

Postfach 680271

50705 Köln

Phone:+49(0)1777581050

Email: Info@Iran-sabz.de

www.iran-sabz.de

دو انجمن صورت گرفت، تاکید شد طرفین در راستای فعالیتهای ضدفرقه ای بیشتر با یکدیگر در تماس و تبادل اطلاعات داشته باشند. از آنجای که بیشتر اعضای انجمن ایران سبز خود از جدانشدگان فرقه مجاهدین خلق می باشند و هم اکنون در اروپا اقامت دارند، از موضع یک شهروند اروپایی معضل و خطر فرقه تروریستی مجاهدین را برای جامعه اروپا هشدار دادند و تلاش کردند مشاهدات عینی خود را از فرقه مجاهدین خلق، از نحوه کارکرد و سیستم فکری و از نوع نگاه و نگرش این فرقه به انسان و ارزشی که برای انسانها بخصوص زنان قائل هستند را بیان کنند. همچنین در این دیدار به مسئله آزادی نفراتی که در فرقه مجاهدین خلق در اسارت بسر میبرند و خواهان آزادی هستند، گفتگوی مفصل صورت گرفت و راهکارهای بهتر برای جذب آنها و کمک برای اینتگراسیون (integration) آنها در